**ایمان به فرشتگان**

**و تاثیر آن در زندگی امت اسلام**

**تألیف:**

**دکتر صالح بن فوزان الفوزان**

**عضو هیئت کبار علماء**

**و عضو کمیسیون فتوی در عربستان سعودی**

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری** /

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | ایمان به فرشتگان و تاثیر آن در زندگی امت اسلام |
| **عنوان اصلی:** | الإيمان بالملائكة وأثره في حياة الأمة |
| **نویسنده:** | دکتر صالح بن فوزان الفوزان |
| **مترجم:** | اسحاق دبیری  |
| **موضوع:** | دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی، انسان، شیطان، جن، ملک و...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه مترجم 3](#_Toc386546715)

[مقدمه نويسنده 4](#_Toc386546716)

[ايمان به فرشتگان يعني چه؟ 7](#_Toc386546717)

[فرشتگان از چه چيزي آفريده شده‌اند 7](#_Toc386546718)

[صفات فرشتگان 8](#_Toc386546719)

[كارهائيكه فرشتگان به آن مكلّفند 12](#_Toc386546720)

[بعضي از اعمال و كردار فرشتگان 13](#_Toc386546721)

[تعداد حمل كنندگان عرش 13](#_Toc386546722)

[الروح، چند معني دارد 14](#_Toc386546723)

[صفات جبريل 15](#_Toc386546724)

[هر انسان دو فرشته با اوست 20](#_Toc386546725)

[فرشتگان نيت و قصد انسانها را مى‌نويسند 20](#_Toc386546726)

[منزلت و مكانت نماز صبح و نماز عصر در بين نمازهاي ديگر 21](#_Toc386546727)

[دعوتي بسوي كسانيكه در كار و تكاليف شرعي كوتاهي و سستي مى‌كنند 22](#_Toc386546728)

[وجوب ايمان به فرشتگان و به آنچه انجام مى‌دهند 23](#_Toc386546729)

[اختلافاتي كه بين عمل فرشتگان و عمل شياطين وجود دارد 24](#_Toc386546730)

[جاهائيكه فرشتگان به آنجا مى‌روند 26](#_Toc386546731)

[جاهائيكه شياطين به آنجا مى‌روند 26](#_Toc386546732)

[نشانه و تأثير ايمان به فرشتگان در زندگي انسان 27](#_Toc386546733)

[هيچ چيز از خدا پنهان نخواهد بود 28](#_Toc386546734)

[به خاطر دوست داشتن فرشتگان آنان را يادآوري مى‌كنيم 30](#_Toc386546735)

مقدمه مترجم

جهان فرشتگان غیر از جهان انس و جن مى‌باشد، جهان پاكی و خوشی و صفا است، و آنها مخلوقاتی با تقوی هستند، خدا را به حق عبادت مى‌كنند، و آنچه به آنها امر شود انجام مى‌دهند و به هیچ وجه مصعیت خدا را نمى‌كنند.

ایمان به فرشتگان یكی از اصول ایمان به خداست، و ایمان بنده كامل نمى‌شود مگر با ایمان آوردن به فرشتگان خدا، بارى تعالی مى‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ﴾ [البقرة: 285].

«رسول(خدا) به آنچه از(سوی) پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان(هم)، هریک به خداوند و فرشتگانش و كتابهایش و فرستادگانش ایمان آوردند».

ایمان داشتن به فرشتگان مترتب بر چند چیز خواهد بود: تصدیق كردن بوجود آنها، مقام و منزلت آنها، اینكه آنها مانند انس و جن از بندگان و مخلوقات خدایند، اینكه هیچ عملی نمى‌توانند انجام دهند مگر بفرمان خدا، به هیچ وجه بخدا شرک نمى‌آورند، عرش با عظمت خدا را حمل مى‌كنند، بزرگترین و عظیمترین سربازان خدایند، وغیر از اینها.

و ما این كتاب مهم كه از جهان فرشتگان سخن مى‌گوید ترجمه كردیم تا از زندگى  پربار آنها با خبر شده برایمان سرمشقی در پیروی از اسلام پاک از هر شائبه شود.

مقدمه نويسنده

الحمد لله رب العالـمين وصلى  الله وسلم على  نبينا محمد وعلى  آله وصحبه أجمعين.

أما بعد:

در حقیقت ایمان مسئله ای بسیار بزرگ است، زیرا اسـاس و بنیانی است كه سعادت دنیا و آخرت بر آن بنیاد نهاده شده است و از بزرگترین مراتب دین است.

هنگامیكه جبریل  در حضور صحابه نزد حضرت رسول اكرم آمد و در مورد اسلام و ایمان و احسان پرسید، گفت ای محمد! در مورد اسلام به من بگو، رسول اكرم فرمود: «الإِسْلاَمُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلاَةَ وَتُؤْتِىَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنِ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلاً». [ابن خزيمه ودارقطنى]. «اسلام عبارتست از: گواهي دهي و يقين نمائي كه معبودي بحق جز خداي يكتا نيست، و محمد فرستاده خداست، و نماز را بر پا داري، و زكات بدهی، و ماه مبارک رمضان را روزه بگیری، و به حج خانه خدا بروی اگر توانائی راه آنرا از قبیل توشه و سواری و غیره داری».

پس آنحضرت اسلام را به انجام اركان پنجگانه فوق تفسیر نمود، جبریل در جـواب گفت: راست گفتی. پس: در مورد ایمان به من بگو. حضرت رسول فرمود: ایمان عبارت است از این كه: به یگانگی خداوند ـ در ذات و صفات و أفعالش ـ و به فرشتگان، و كتاب‌های خدا ـ كه بر پیامبران نازل شده است ـ و پیغمبران خدا ـ كه برای راهنمائی بشر آنان را فرستاده است ـ و روز قیامت ـ و آنچه مشتمل است بر آن از جزای اعمال و زندگی پس از مرگ و حساب و بهشت و دوزخ ـ و سرنوشت یعنی تقدیر به خیر و شر همگی اینها ایمان بیاوری. پس آنحضرت ایمان را به تصدیق به اركان ششگانه بالا تفسیر نمود، جبریل گفت: در مورد احسان به من بگو. آن حضرت فرمودند: نكوكاری عبارت است از این كه: طوری خدا را عبادت و بندگی كنی كه گویا خدا را مى‌بینی، و اگر تو خـدا را نمى‌بینی این یقین را داشته باش كه خدا تو را مى‌بیند.

آنحضرت بیان كرد كه نكوكاری فقط یک ركن دارد و آن اینكه خدا را بگونه ای عبادت كنی كه او را مى‌بینی، و اگر تو او را نمى‌بینی او تو را مى‌بیند.

پس اینها مراتب سه گانه دین است: اسلام، ایمان، و نیكوكاری، هر مرتبه ای از مراتب آن ركنی دارد، و ركن هر چیز ستون آن چیز است كه بر آن ایستاده و پا برجاست، و ركن خانه ستونی است كه خانه بر آن بنا شده است.

پس ایمان بر شش ركن و ستون استوار است، كه اگر یكی از اركان آن سقوط كند انسان مؤمن نخواهد بود زیرا یكی از اركان و ستونهای آنرا از دست داده است.

پس ایمان فقط بر اركانش استوار است، چنانكه ساختمان بجز بر اركان و ستونهای خودش ثابت و استوار نخواهد شد.

و این اركان ششگانه در قرآن ذكر شده است، گاهی اركان ششگانه یكجا در قرآن ذكر شده است، و گاهی بعضی از آنها فقط ذكر شده است، چنانكه بارى تعالی مى‌فرماید: ﴿وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ﴾ [البقرة: 177]. «بلكه نیكوكار كسی است كه به خدا و روز قیامت و فرشتگان و كتاب و پیامبران ایمان آورد».

در این آیه خدا پنج ركن از اركان ایمان را ذكر نموده است.

و همچنین خداونـد مى‌فرماید: ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦ﴾ [البقرة: 285]. «رسول(خدا) به آنچه از(سوی) پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان(هم). هر یک به خداوند و فرشتگانش و كتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند (وگفتند:) میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمى‌گذاریم».

در آیه كریمه گذشته چهار ركن از اركان ایمان ذكر شده است.

و گاهی بارى تعالی دو ركن آن را بیان مى‌رماید و آنهم: ایمان به خدا و روز رستاخیز، چنانكه مى‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِ‍ِٔينَ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [البقره: 62]. «به راستی كسانی از مؤمنان و یهودیان و ترسایان و صابئین كه به خدا و روز قیامت ایمان آوردند».

اما ایمان به سرنوشت و تقدیر را خداوند در دو آیه ذكر نموده است: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩﴾ [القمر: 49] «ما هر چیز را كه آفریدیم به قدر و اندازه و از روی تقدیر بود».

و ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا﴾ [الفرقان: 2]. «همه چیز را آفریده است، آنگاه چنانكه مى‌باید آنها را به اندازه مقرر كرده است».

ايمان به فرشتگان يعني چه؟

مطلب مورد بحث ما در اینجا ایمان به فرشتگان است كه یكی از اركان ششگانه ایمان مى‌باشد و معنی آن: تصدیق به وجود آنها و تصدیق به اعمال و كردار آنهاست كه در دنیا و آخرت انجام مى‌دهند. و فرشتگان خلقی از مخلوقات خدایند، خداوند آنانرا برای عبادت خودش و انجام دستورهایش در دنیای هستی آفریده است، آنان را برای إجرای دستورات خود مى‌فرستد، و آنان مخلوقاتی از عالم غیب هستند كه ما آنها را با چشم مشاهده نمى‌كنیم، لیكن به آنها ایمان قطعی داریم كه هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد، زیرا خداوند و رسول الله از آنها بطور قطعی خبر داده‌اند تا ما بطور یقین به آنها ایمان آوریم.

فرشتگان از چه چيزي آفريده شده‌اند

 فرشتگان از نور آفریده شده‌اند چنانكه در حدیث آمده كه خـداوند سبحانه فرشتگان را از نور و ابلیس را از آتش و بنى آدم را از گِل آفریده است.

صفات فرشتگان

 فرشتگان خلقی از مخلوقات خدا از عالم غیب هستند و هیچ كس غیر از خدا تعداد و چگونگی آنانرا نمى‌داند.

بعضی از صفات فرشتگان عبارتند از:

أولاً: آنها بزرگترین و عظیم‌ترین سربازان خدایند.

﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ [الفتح: 4]

«سپاههای آسمانها و زمین از آن خداوند است».

و هنگامیكه خداوند صحبت از نگهبانان جهنم مى‌كند مى‌فرماید:

﴿عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ٣٠﴾ [المدثر: 30]

«بر آن نوزده (نگهبان) گمارده شده‌اند».

و مى‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۖ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾ [المدثر: 31].

«و جز فرشتگان را موكّلانِ آتش(دوزخ) نساخته ایم. و شمارِ آنان را برای كافران جز آزمون قرار نداده‌ایم».

و اصحاب جهنم: نگهبانان آتش هستند، یعنی در جهنم نوزده فرشته بر آتش پاسبانی مى‌دهند، و آنرا روشن كرده امور آن را بدست دارند.

یكی از كفار وقتی تعداد نگهبانان آتش را شنید ـ بخیال او كه تعدادشان كم است ـ گفت: من بر آنها چنین و چنان مى‌كنم، یعنی وقتی داخل جهنم شدم با آنها جنگ كرده بر آنان غلبه مى‌كنم و از آتش بیرون مى‌آیم، آنهم از باب مسخره و استهزاء این سخنان را گفت. بارى تعالی در جواب وی فرمود: ﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗ﴾ [المدثر: 31]. «وجز فرشتگان را موكّلانِ آتش(دوزخ) نساخته‌ایم».

یعنی آنها از بشر نیستند بلكه فرشته‌اند.

اگر این شخص با خود مى‌گوید كه من قدرتمند و شجاع هستم و جلوی چندین نفر از بشر مقاومت مى‌كنم، نمى‌تواند مقابل یكی از فرشتگان بایستد.

بارى تعالی مى‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗ﴾ [المدثر: 31]. «ما پاسبانان جهنم را قرار ندادیم مگر فرشتگان».

یعنی آنان را از جن و إنس قرار نداده است.

و مى‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۖ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ﴾ [المدثر: 31].

«و جز فرشتگان را موكّلانِ آتشِ(دوزخ) نساخته‌ایم. و شمارِ آنان را برای كافران جز آزمون قرار نداده‌ایم. تا اهل كتاب یقین حاصل كنند. و تا مؤمنان مؤمن‌تر شوند، و تا اهل كتاب و مؤمنان شک نكنند».

و مى‌فرماید: ﴿وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ﴾ یعنی كفار ﴿مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗا﴾ [المدثر: 31]. «و بى‌مار دلان و كافران نگویند: خداوند به ایم مثل چه خواسته است؟».

پس آنان تهمت زده و تعداد فرشتگان را كم مى‌دانند و مى‌گویند: چگونه این آتش بزرگ كه در آن تمامی مخلوقات خداست فقط نوزده فرشته بر آن پاسبانی مى‌دهد؟

بارى تعالی در جواب مى‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُو﴾ [المدثر: 31]. «و شمارِ آنان را برای كافران جز آزمون قرار نداده‌ایم».

پس هیچ كس بزرگی فرشتـگان و آنچه در زمین و آسمان از نگهبانان و پاسبانان است، غیر از خدا كسی دیگر نمى‌داند نه كفار و نه غیر از كفار.

دوم: خلقت فرشتگان خلقتی عظیم و بزرگ است چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَاعِلِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ﴾ [فاطر: 1]. «ستایش خدای راست، پدید آورنده آسمانها و زمین، (كسى كه) فرشتگان را پیام آورانِ دارای بال‌های دوگانه و سهگانه و چهارگانه گرداند».

یعنی بعضی از فرشتگان دو بال دارد، و بعضی دیـگر سه و یا چهار بال دارد، و بعضی از آنها بال‌های بیشتری دارند.

چنانكه رسـول الله جبریل را دید كه ششصد بال داشت و هر بال آن افق را پوشانیده بود.

این یک فرشته از فرشتگان است كه خداوند آنرا قوی قدرتمند توصیف نموده، چنانكه مى‌فرماید: ﴿عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلۡقُوَىٰ ٥﴾ [النجم: 5]. «او را (فرشته) بس توانمند آموزش داده‌است».

و مى‌فرماید: ﴿ذُو مِرَّةٖ فَٱسۡتَوَىٰ ٦﴾ [النجم: 6].

«(فرشته‌ای) نیرومند. آنگاه (فرارویش) راست و درست ایستاد»، یعنی قوی و خوش اندام مى‌باشد.

سوم: فرشتگان به إجازه خداوند قدرتمند هستند و دلیل بر توانائی و قدرتمندی آنان این است كه اگر خداوند به یكی از آنان فرمان دهد در جهان فریاد مى‌كشد و تمامی خلق هلاک مى‌شوند، چنانكه بر قوم ثمود چنین آمد و بوسیله فریاد فرشته همه هلاک شدند. جبریل فریادی بر آنان زد چنانكه بارى تعالی مى‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ ٣١﴾ القمر: 31]. «بى‌گمان ما بانگ مرگباری بر آنان فرستادیم، در نتیجه مانند خاشاكی شدند كه از سایه بانْ ساز بازماند».

پس قلب‌هاى‌شان از درونشان كنده شد و مردند و خاشاكی بیش از آنها باقی نماند.

عادت بادیه نشینان عرب این بود كه اگر به جائی كوچ مى‌كردند در آنجا هیزم جمع كرده و از آن آغل (حصاری) برای گوسفندان و حیوانات خود درست مى‌كردند تا از حیوانات دیگر محفوظ بمانند، و این هیزم خشک شده و تبدیل به خس و خاشاک مى‌شد.

پس قوم ثمود با وجود قدرت و توانائی و نیروی زیادی كه از آن برخوردار بودند بر أثر شنیدن آواز هولناک یكی از فرشتگان مانند این هیزم‌های خشک به خس و خاشاک تبدیل شدند.

و این جبریل بود كه خداوند به او فرمان داد تا قریه‌های قوم لوط كه هفت دهكده بـود و در آن بشر و ساختمانها و توشه و حیـوانات خیلی زیادی وجود داشت آنان را بر طرف بال خود حمل نماید و بالا برد تا اینكه فرشتگانی كه در آسمان بودند صدای سگها و أذان خروس‌های آنان را شنیدند، سپس آنان را از آنجا وارونه كرده به زمین انداخت، و این نمونه ای از قدرت و قوت فرشتگان علیهم السلام مى‌باشد.

إسرافیل مأمور به دمیدن در صور است و آنهم شاخ و شیپوری است كه ارواح بنى آدم از اول تا آخر آنها در آن جمع شده است سپس إسرافیل یكبار در آن مى‌دمد و تمامی ارواح بنى آدم از آن شیپور پرواز كرده به اجساد و بدن آنها داخل مى‌شود و این دمیدن بعثت یعنی برخاستن مى‌باشد و قبل از این دمیدن، دمیدن بى هوشی است، و با این دمیدن هر چه در دنیا بین زمین و آسمان است از بین مى‌رود، و مى‌میرد بجز آنچه خدا بخواهد.

خداوند مى‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُ﴾ [الزمر: 68]. «و در (صور) دمیده شود، آنگاه آسمانیان و زمینیان (همگی) بمیرند. مگر كسى كه خداوند خواسته است».

سپس بار دیگر در آن شیپور دمیده شد و آن دمیدن زنده شدن است: ﴿فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ﴾ [الزمر: 68]. «آنگاه است كه آنان ایستادگانی خواهند بود كه مى‌نگرند».

این یكی از فرشتگان خداوند است، و این یكی از كارهای اوست كه خداوند به او فرمان مى‌دهد.

پس فرشتگان مخلوق بزرگی از مخلوقات خدایند، و آنان را برای عبادت خود و انجام دستورات خود آفریده است.

خداوند مى‌فرماید: ﴿لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ٢٧ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ ٢٨ ۞وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٩﴾ [الأنبیاء: 26 – 28]. «بلكه (آن فرشتگان) بندگان گرامى‌اند. در هیچ سخنی بر او پیشی نمى‌گیرند، و آنان به فرمان او كار مى‌كنند. آینده و گذشته آنان را مى‌داند و شفاعت نمى‌كنند مگر برای كسى كه (خداوند) بپسندد و آنان از بیم او در هراسند».

و این توصیفی برای فرشتگان است.

كارهائيكه فرشتگان به آن مكلّفند

فرشتگان كارهائی دارند و هر یک از آنها مكلّف به عمل معینی هستند و هیچ تأخیری در انجام آن كار را نمى‌كنند، بلكه فوراً آنرا انجام داده و خداوند را نافرمانی نمى‌كنند.

خداوند مى‌فرماید: ﴿عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ﴾ [التحریم: 6]. «بر آنان فرشتگان درشتخو و سخت رو (گمارده‌اند) كه خداوند را در آنچه به آنان فرمان دهد، نافرمانی نكنند. و آنچه را كه فرمان مى‌یابند، انجام مى‌دهند».

بعضي از اعمال و كردار فرشتگان

 أولاً: فرشتگانی هستند كه مأمور جهنمند و نام آنان نگهبان است، و موكل به آتش و تعذیب جهنمیان مى‌باشند.

دوم: فرشتگانی هستند كه مأمور به حمل عرش خداوند سبحانه و تعالی مى‌باشند، چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ﴾ [غافر: 7]. «كسانى كه عرش را حمل مى‌كنند و آنان كه پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح مى‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش مى‌خـواهنـد(مى گویند:) پروردگارا، بخشایش و دانش تـو همه چیـز را فراگرفته است. پس آنان را كه توبه كرده‌اند، بیامرز».

و همچنین مى‌فـرماید: ﴿وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ﴾ [الحاقه: 17]. «و آن روز هشت (تن از فرشتگان) عرشِ پروردگارا را بر فرازشان بر مى‌دارند».

تعداد حمل كنندگان عرش

حمل كنندگان عرش چهار فرشته‌اند و روز قیامت تعداد آنان زیاد شده به هشت فرشته مى‌رسند.

و عرش خداوند از بزرگترین مخلوقات خداست كه روز قیامت هشت فرشته آنرا حمل مى‌كنند.

و این بر قدرت و توانائی فرشتگان دلالت دارد، زیرا آنان این عرش بزرگ را كه از بزرگترین مخلوقات خدا است بر دوش خود حمل مى‌كنند.

سوم: و تعدادی از فرشتگان مأمور وحی هستند چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ٢﴾ [النحل: 2]. «به اراده خویش فرشتگان را با وحی بر هركس از بندگانش كه بخواهد، نازل مى‌كند (با این پیام) كه: هشدار دهید: هیچ معبودِ (حقی) جز من نیست، پس از من پروا بدارید».

الروح، چند معني دارد

 كه از جمله معانی آنها چنین است:

روح بمعنی: وحی، و آنرا روح نامیده‌اند زیرا قلبها را زنده مى‌كند چنانكه باران زمین را زنده مى‌كند، و چنانكه روح و جان آفریده شده بدن حیوانات را زنده مى‌كند.

روح بمعنی: قرآن، خداوند سبحانه مى‌فرماید: ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَا﴾ [الشوری: 52]. «و همچنین (قرآن را به مثابه) روحی از كلام خود به تو وحی كردیم».

در این آیه روح بمعنی قرآن است، زیرا بوسیله قرآن دلهای اهل ایمان زنده مى‌شود، همانطوریكه زمین با باران زنده مى‌شود دلهای مؤمنان با قرآن زنده مى‌شود.

و روح بمعنی: جبریل است، و او بزرگترین و بهترین و شرافتمندترین فرشتگان است كه قرآن را از نزد خداوند بر محمد نازل فرموده است.

خـداوند جـل شأنـه مى‌فرماید: ﴿نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ١٩٤ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ ١٩٥﴾ [الشعراء: 193 – 195]. «روح الأمین آن را فرود آورده است. بر دلِ تو تا از هشداردهندگان باشی. به زبان عربی روشن».

پس جبریل  قرآن را بر قلب پیامبر نازل كرد و پیامبر آنرا بر أمت خود تبلیغ فرمود.

خداوند تعالی در آیه دیگر مى‌فرماید: ﴿قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ﴾ [النحل: 102]. «بگو ای رسول خدا كه: روح پاک یعنی جبریل قرآن را از نزد پروردگارت فرود آورد».

یعنی جبریل روح القدس است.

صفات جبريل

 خداوند جبریل را به صفتهای عظیم وبزرگی توصیف فرموده: و مى‌فرماید: ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلۡخُنَّسِ ١٥ ٱلۡجَوَارِ ٱلۡكُنَّسِ ١٦ وَٱلَّيۡلِ إِذَا عَسۡعَسَ ١٧ وَٱلصُّبۡحِ إِذَا تَنَفَّسَ ١٨ إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ١٩ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ ٢٠ مُّطَاعٖ ثَمَّ أَمِينٖ ٢١﴾ [التكویر: 15 – 21]. «پس سوگند مى‌خورم به ستارگان باز گردنده. (ستارگانِ) سیارِ نهان شونده. و به شب چون بازگردد. و به صبح چون بدمد. بى گمان آن برخوانده فرستاده ای بزرگوار است. توانمند به نزد صاحبِ عرش، صاحب منزلت. فرمانبرداری شده در آنجا. امین».

صفت أول: قدرت.

چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ ٢٠﴾ [التكویر: 20]. «توانمند به نزد صاحبِ عرش»، ﴿ذِي ٱلۡعَرۡشِ﴾ «صاحب عرش»، ﴿ذِي قُوَّةٍ﴾ «فرشتة توانمند». این صفت جبریل است.

صفت دوم: منزلت ﴿مَكِينٖ﴾ «نزد پروردگار صاحب عرش دارای منزلت و مكانت است».

یعنی صاحب منزلت و مكانت نزد خداوند كه كسی غیر از او به چنین مقام و منزلتی نمى‌رسد.

صفت سوم: طاعت «مُطَاعٍ». «در بین فرشتگان فرمانروا (فرمانده) است». تمامی فرشتگان به أمر و فرمان خداوند از جبریل اطاعت مى‌كنند.

صفت چهارم: أمانت «أمين».

«در حمل قـرآن و تبلیغ آن به رسول الله و آنچه به او أمر شود امین است».

یعنی بر وحی أمین است، هیچ چیزی از آنرا كم و زیاد نمى‌كند بلكه آنرا همچنانكه خداوند نازل كرده مى‌رساند.

محمد جبریل را مشاهده نمود: خداوند مى‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجۡنُونٖ ٢٢﴾ [التكویر: 22]. «دوست و هم صحبت شما كه در میان شما بزرگ شده و او را شناخته و ستوده‌اید (رسول اكرم ) دیوانه نیست و هرگز امكان دیوانگی برای او نیست».

چنانكه كفار مى‌گفتند: محمد دیوانه است.

﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡمُبِينِ ٢٣﴾ [التكویر: 23]. «به راستی (او) آن (فرشته) را در كرانه آشكارِ آسمان دید».

محمد دو بار جبریل را در أفق مشاهده كرد.

بار أول در بطحاء مكه (یكی از محله‌های شهر مكه)، وقتی سر خود را بلند كرد او را در أبرهای آسمان دید كه ششصد بال دارد و هر بالی أفق را پوشانیده است.

بار دوم: خداوند مى‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ ١٣ عِندَ سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ١٤﴾ [النجم: 13 – 14]. «و به راستی او را باری دیگر دیده بود. در نزدِ سدرة المنتهی(یعنی جبریل را) رسـول مشاهده كرد».

(و آن در محلی است كه منتهی و آخر عروج به آسمان است و فرشتگان و أرواح شهداء و پرهیزكاران از آن بالاتر نروند).

رسول الله در شب معراج در آسمان چنانكه خداوند جبریل را آفریده او را دید.

آنچه گذشت بعضی از صفات جبریل  بود.

خداوند مى‌فرماید: ﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ٤٠﴾ [الحاقه: 40]. «قرآن كلام خدا گفتار پیغمبری بزرگوار است».

یعنی قرآن كلام خداوند سبحانه و تعالی است ولی در اینجا به جبریل منسوب داده شده زیرا او به محمد رسانیده است، پس او مبلغی از طرف خداوند است وآنرا به پیغمبر اكرم رسانیده و آن كلام خداوند مى‌باشد.

و سخن به كسی إضافه مى‌شود كه در آغاز آنرا گفته باشد، نه كسى كه آنرا به كسی دیگر إبلاغ كند، ولی اینجا به جبریل منسوب شده چون وی إبلاغ كننده است.

چهارم: فرشتگانی هستند كه مأمورند به اعمال و كردار دیگرند مانند:

1. میكائیل مأمور است به نزول باران از آسمان كه آنرا سوق مى‌دهد در حالیكه خداوند سبحانه به او فرمان داده است.
2. إسرافیل كه مأمور به دمیدن در شیپور است وقتی خداى تعالی بخواهد مردم را از قبرهایشان برانگیزد و جسدها از قبرها مى‌رویند و كامل مى‌شوند و چیزی بجز روح باقی نمى‌ماند، در این وقت إسرافیل به فرمان خداوند در شیپور مى‌دمد و أرواح به أجسادی داخل مى‌شود كه از قبرها روئیده بود و بلند شده بودند، سپس به جائی كه خداوند به آنان فرمان داده مى‌روند.

خداوند تعالی مى‌فرماید: ﴿يَوۡمَ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ ٤٣﴾ [المعارج: 43]. «روزی كه از گورها شتابان بیرون آیند كه گوئی آنان به سوی نشانه (بتهائى  كه مى‌پرستیدند) مى‌دوند».

همچنان بارى تعالی مى‌فرماید: ﴿خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ كَأَنَّهُمۡ جَرَادٞ مُّنتَشِرٞ ٧ مُّهۡطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِۖ يَقُولُ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٞ٨﴾ [القمر: 7 – 8].«در حالی كه دیدگانشان فرو هشته باشد.از گورها چنان بیرون میآیند كه گویی آنان ملخهای پراكنده‌اند».

این سه فرشته مأمور زندگی و حیات هستند پس: جبریل مأمور وحی است كه با آن قلبها زنده میشود، و میكائیل مأمور باران است كه زمین را بعد از مردن زنده مى‌كند، و إسرافیل مأمور دمیدن در صور (شیپور) است كه أجساد را از قبرها زنده مى‌كند. به همین خاطر رسول اكرم در نماز شب وقتی در شب برای خواندن نماز بلند مى‌شد بعد از تكبیر تحریمه چنین مى‌گفت: «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ» [مسلم]. «خدایا، ای پروردگار جبریل و میكائیل، آفریننده آسمانها و زمین، تا آخر این دعاء». پس اینها عظیمترین فرشتگان هستند بخاطر بزرگی مأموریت آنها.

پنجم: فرشتگانی هستند كه مأمورند به نطفه در شكم مادر چنانكه در حدیث عبدالله بن مسعود آمده كه گفت: «حدثنا رسول الله وهو الصَّادِقُ الْمَصْدُوق: إنَّ أحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ في بَطْنِ أُمِّهِ أربَعِينَ يَوماً نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ المَلَكُ، فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، وَيُؤْمَرُ بِأرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكَتْبِ رِزْقِهِ وَأجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ» [متفق علیه]. «فرستاده خدا بما فرمود و اوست پیغمبر راستگو و تصدیق شده: محققاً خلقت یكی از شما در شكم مادرش چنین انجام مى‌گیرد: چهل روز بحالت نطفه است، پس از آن لخته ای از خون مى‌شود در چهل روز، پس از آن تكه گوشتی مى‌شود در چنین مدتی، پس از سه چهل روز(كه جمعاً صد و بیست روز خواهد بود) خداوند فرشته ای بسوی او مى‌فرستد تا در آن روح بدمد، و فرشته مأمور است به نوشتن چهار كلمه: نوشتن روزیش، مدت عمرش، كردارش، و اینكه بدبخت یا نیک بخت است».

خداوند سبحانه و تعالی این فرشته را به این امر مهم و بزرگ به طرف او مى‌فرستد.

ششم: و فرشتگانی هستند كه به قبض و گرفتن روح و جانها مأمورند تا اینكه عمر او پایان یابد، و در اینجا (ملک الموت) فرشته مرگ است، چنانكه خدا مى‌فرماید: ﴿قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ﴾ [السجدة: 11]. «بگو: فرشته (مأمورِ) مرگی جانتان را مى‌ستاند».

و فرشته مرگ (ملک الموت) با خود همراهانی دارد، چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا يُفَرِّطُونَ ٦١ ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّ﴾ [الأنعام: 61 – 62]. «تا وقتی كه مرگِ كسی از شما فرا رسد. فرستادگان ما روح او را بگیرند. و آنان كوتاهی نمى‌كنند. آنگاه به سوی خدا سرور راستینشان بازگردانده شوند».

و مرگ به فرشتگان و به فرشته مرگ (ملک الموت) و به خداوند نسبت داده شده است: ﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا﴾ [الزمر: 42]. «خداوند جانها را به هنگام مرگشان مى‌ستاند».

و اینجا مرگ به خـداوند نسبت داده شده، زیرا او سبحانه به آن أمر فرموده و به فرشتگان نسبت داده شده، زیرا آنان هستند كه جان را از بدن جمع كرده تا اینكه به حلقوم برسد و به (ملک الموت) فرشته مرگ نسبت داده شده: ﴿قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ﴾ [السجدة: 11].

زیرا او روح را قبض مى‌كند در حالیكه در حلقوم جمع شده است.

هفتم: فرشتگانی هستند كه به حفظ و نگهداری اعمال و كردار بنى آدم مأمورند، چنانكه در حدیث آمده: «يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلاَئِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلاَئِكَةٌ بِالنَّهَارِ» [متفق علیه].

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد مى‌شوند، گروهی شب مى‌آیند و گروهی روز مى‌آیند. و خداوند مى‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ١٢﴾ [الإنفطار: 10 – 12]. «و بى‌گمان نگهبانان بر شما گمارده شده‌اند. نگارندگانِ گرانقدر. آنچه را كه مى‌كنید مى‌دانند».

هر انسان دو فرشته با اوست

بر هر یک از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یكی بر سمت راست حسنات و نیكى‌های او را مى‌نویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را مى‌نویسد، چنانكه خداوند مى‌فرماید:

﴿إِذۡ يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٞ ١٧ مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ١٨﴾ [ق: 17 – 18]. «وقتی دو فراگیرنده‌ای كه در سمت راست و سمتِ چپ نشسته‌اند، فراگیرند. هیچ سخنی را بر زبان نمى‌آورد مگر آنكه نزدش نگهبانی آماده(حضور) دارد».

این فرشتگان در سفر و در إقامت با انسان هستند، و در تمامی أحوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترک نمى‌كنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و كردار او را مى‌نویسند.

فرشتگان نيت و قصد انسانها را مى‌نويسند

و در حدیث وارد است كه نیت و قصد آنچه در قلب بنى آدم است، و آنـرا در قلب مى‌گوید، و آنچه نیت مى‌كند كه آنرا انجام دهد فرشته آنرا مى‌نویسد.

به همین خاطر انسان اگر نیت نیک نماید ثوابش به او مى‌رسد، و بر نیت بد نیز مجازات مى‌شود، زیرا نیت عمل قلبی است.

فرشتـگان مأمورند بر انسان از وقتى كه به سن بلوغ برسد تا اینكه از دنیا برود و آنان آنچه در دنیا از نیت و كردار و گفتار انجام داده مى‌نویسند.

منزلت و مكانت نماز صبح و نماز عصر در بين نمازهاي ديگر

 رســول الله فرمودنـد: «يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلاَئِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلاَئِكَةٌ بِالنَّهَارِ يَجْتَمِعُونَ فِيْ صَلاَةِ الْعَصْرِ وَفِيْ صَلاَةِ الْفَجْرِ...». [متفق علیه].

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد مى‌شوند، گروهی شب مى‌آیند و گروهی روز مى‌آیند، و اینها صبح و عصر با هم یک جا جمع مى‌شوند. بارى تعالی مى‌فرماید: ﴿وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ﴾ یعنی نماز صبح. و مى‌فرماید: ﴿إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا﴾ [الإسراء: 78]. «بى گمان قرآن خواندنِ فجر(نماز صبح) با حضور فرشتگان است».

فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر مى‌شوند، و به قرآنی كه در نماز تلاوت مى‌شود گوش مى‌دهند، و در نماز عصر حاضر با هم جمع مى‌شوند خداوند در حالیكه حال انسانها را از فرشتگان بهتر مى‌داند از آنها سؤال مى‌كند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترک كردید؟ آنها مى‌گویند: آنها را ترک كردیم در حالیكه نماز مى‌خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی كه نماز مى‌خواندند. یعنى  فرشتگان نازل شدند و ما در نماز عصر بودیم، و با ما در نماز حاضر بودند، و بالا رفتند در حالیكه ما در نماز صبح بودیم، و به اینخاطر نماز عصر، نماز وسطی یعنی میانه نامیده شده است كه خداوند بر آن تشویق كرده مى‌فرماید:

﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ﴾ [البقرة: 238]. «بر(گذاردن) نمازها و(بویژه) نماز میانه (عصر) پایبند باشید».

یعنی نماز عصر زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر مى‌شوند.

دعوتي بسوي كسانيكه در كار و تكاليف شرعي كوتاهي و سستي مى‌كنند

 كجا هستند كسانیكه از نماز صبح تخلف كرده بر فراش خود مى‌خوابند و این منظر بزرگ را در هر شب با فرشتگان خدا مشاهده نمى‌كنند، فرشتگان خدا در عالم بالا(عالم أرواح مجرده) از آنان خبر مى‌دهند كه: بر آنان وارد شدیم در حالی كه در نماز بودند، و آنان را ترک كردیم در حـالی كه در نماز بودند، چه فایده ای مى‌كند كسیكه از نماز صبح تخلف كرده و خواب را بر نماز ترجیح مى‌دهد، و چه فایده ای مى‌كند كسیكه از نماز عصر سستی و كوتاهی كرده و خواب یا كارهای دیگر را بر نماز عصر ترجیح مى‌دهد؟ در حدیث آمده: «مَنْ فَاتَتْهُ صَلاَةُ الْعَصْرِ فَكَأَنَّمَا وُتِرَ أَهْلَهُ وَمَالَهُ». [متفق علیه]. «كسیكه نماز عصر از او فوت شود مانند اینكه اهل و مال او از بین رفته است»، و در حدیث دیگر: «فقد حبط عمله» «مانند اینكه تمامی اعمال و كردار او نابود شده است». یعنی نماز را از وقت خود خارج كرده، و اگر از وقت آن خارج شود مانند اینكه از او فوت شده است.

هشتم: فرشتگانی هستند كه به حفظ و نگهداری انسان از هلاكت مأمورند، زیرا انسان راه مى‌رود در حالیكه در خطر است، ولیكن خداوند فرشتگانی را مأمور كرده تا انسان را از خطر این دنیا كه مقدر و سرنوشت او است نگهداری كنند.

و این زمین كه انسان بر آن زندگی مى‌كند در آن خطرهائی وجود دارد از قبیل حیوانات وحشی، و مارها، و عقربها، و در آن طاغوتهائی از بشر وجود دارد، و همچنین در آن ظلم و ستم وجود دارد، ولیكن خداوند این فرشتگان را قرار داده تا انسان را نگهداری كنند چنانكه مى‌فرماید: ﴿لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ﴾ [الرعد: 11]. «او از فرارو و پشتِ سرِ خویش فرشتگانی پیایند دارد (كه او را نگهداری مى‌كنند)».

به دستور خداوند او را حفظ مى‌كنند، و مادامیكه خداوند برای او سلامتی نوشته این فرشتگان از او دفاع مى‌كنند و هیچ بشری به او نمى‌رسد، و اگر خداوند خواست كه مرگ و اجل او فرا رسد، فرشتگان او را ترک مى‌كنند. و همیشه یكی از فرشتگان از جلو و دیگری از پشت سر، او را نگهداری مى‌كنند: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ سُوٓءٗا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥ﴾ [الرعد: 11]. «خداوند آنچه را كه قومی در خود دارند دگرگون نمى‌سازد تا وقتی كه آنچه را در ضمیر خود دارند، دگرگون سازند. و اگر خداوند برای قومی بدی را اراده كند، آن باز گرداندنی ندارد».

اگر سرنوشت او آمد و خداوند هلاكت آن انسان را خواست فرشتگان كه مأمور نگهداری او هستند او را ترک مى‌كنند، زیرا آنان خلاف فرمان خدا عمل نمى‌كنند.

نهم: فرشتگانی در این جهان هستندكه مأمورند به اعمال و كرداری كه جز خداوند كسی آنرا نمى‌داند.

فرشتگانی هستند كه به دریاها مأمورند، و فرشتگانی هستند كه به رودها مأمورند، و دیگرانی هستند كه به اعمال و كردار بسیار زیاد دیگر مأمورند، این عالم و جهان كه این همه رویدادها در آن پدید مى‌آید همه در تقدیر و سرنوشت خداوند تعالی هستند، و فرشتگان به فرمان خدا به إجرای اینها مى‌پردازند.

وجوب ايمان به فرشتگان و به آنچه انجام مى‌دهند

از جمله فرشتگان آنها هستند كه خداوند نام آنان را برایمان ذكر فرموده است، مانند جبریل و میكائیل و إسرافیل و مالک نگهبان جهنم: ﴿وَنَادَوۡاْ يَٰمَٰلِكُ لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَ﴾ [الزخرف: 77]. «و (دوزخیان) ندا دادند: ای مالكْ، (بخواه) كه پروردگارت كارِ ما را یكسره كند».

و فرشتگانی هستند كه خداوند نام آنان را برایمان ذكر نفرموده است، و ما به تمامی آنان ایمان مى‌آوریم چه آنانیكه نامشان ذكر شده و چه آنانیكه نامشان ذكر نشده است، و به اعمال و كرداری كه آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام مى‌دهند ایمان مى‌آوریم.

و فرشتگانی هستند در آسمان كه مشغول عبادت و ركوع و سجود خدایند، و هیچ جائی از آسمان نیست مگر اینكه فرشته ای از فرشتگان در حال ركوع و سجود خداست.

و فرشتگانی هستند كه جز خداوند كس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما بطور إجمالی ایمان مى‌آوریم به آن فرشتگان كه نام آنها ذكر نشده، و بطور تفصیلی ایمان مى‌آوریم به آن فرشتگانی كه نامشان ذكر شده، و آنان را دوست داریم. و آنها بیشترین كسانی هستند كه بنى آدم را به نیكی و خیر نصیحت مى‌كنند، و به نیكی فرمان مى‌دهند، و برای آنان استغفار مى‌كنند، چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ﴾ [غافر: 7]. «كسانی كه عرش را حمل مى‌كنند وآنان كه پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح مى‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش مى‌خواهند».

اختلافاتي كه بين عمل فرشتگان و عمل شياطين وجود دارد

1. فرشتگان تسبیح و تنزیه و سپاس خداوند را مى‌گویند، و برای كسانیكه در زمین هستند استغفار مى‌كنند، و آنها بهترین پند دهندگان و ناصحترین مخلوقات خدا به بنى آدم هستند، و شیاطین از خائن‌ترین مخلوقات خدا به بنى آدم مى‌باشند، زیرا شیاطین عهد و پیمان بسته‌اند كه تا آنجائیكه بتوانند بنى آدم را گمراه كرده فریب دهند و او را به هلاكت برسانند.
2. فرشتگان به نیكی و خوبی أمر مى‌كنند.

و شیاطین به فساد و بدی أمر مى‌كنند، چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ٣٦﴾ [الزخرف: 36]. «و هركس از یادِ (خداوندِ) رحمان غافل شود برایش شیطانی برمى گماریم، و آن(شیطان) همنشینِ او گردد».

پس كسانیكه از قرآن إعراض كرده و به آن پشت كنند خداوند سبحانه و تعالی آنان را عذاب مى‌دهد به اینكه شیطانی بر او مسلط و چیره كرده تا همیشه همراه او باشد. و همچنین مى‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ٣٧ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيۡتَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ بُعۡدَ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرِينُ ٣٨﴾ [الزخرف: 37 – 38]. «و آنان (شیطانها) اینان (انسانها) را از راهِ (خدا) باز مى‌گرداند و مى‌پندارد كه آنان راه یافته‌اند. تا هنگامی كه (انسان) به نزدِ ما آید، (به شیطان) گوید: اى كاش بین من و تو مسافت شرق و غرب فاصله بود. چه بد همنشینی بودی».

و چیزی انسان را از شیطان دور نمى‌كند بجز ذكر و یاد خداى تعالی.

1. اینكه ذكر خداوند شیطان را از او مى‌راند و فرشتگان نزد او حاضر مى‌شوند.

و به همین سبب شیطان را: الوسواس الخناس نامیده‌اند.

و هرگاه انسان ذكر خداوند را ترک كرد شیطان بسوی او مى‌آید و هرگاه ذكر خدا كند فرشتگان دور او جمع مى‌شوند، چنانكه در حدیث آمده: «مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلاَّ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلاَئِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ» [مسلم]. «هرگاه گروهی از مردم در خانه ای از خانه‌های خدا (یعنی در یكی از مساجد) كرد آیند تا كتاب خدا قرآن را بخوانند و درسهای آنرا بهم بفهمانند آرامش بر دل‌های ایشان فرود آید، و مهر و رحمت خدا ایشان را فرا گیرد، و فرشتگان ایشانرا در بر گیرند، و خداوند ایشان را میان كسانیكه نزد اوست یاد كند».

جاهائيكه فرشتگان به آنجا مى‌روند

فرشتگانی هستند كه جهانگردند و در جستجوی حقله‌های ذكـر و درس هستند، و اگر حلقه ای از علم و دانش را دیدند به همدیگر مى‌گویند: بیائید كه نیاز خود را پیدا كردیم.

و حلقه‌های ذكر بسیار است و از آنجمله عبارتند از:

1. تلاوت قرآن، پس هركس قرآن را تلاوت كند ذكر خدا را بجا آورده است.
2. كسیكه نماز مى‌خواند ذكر خدا را بجا آورده است.
3. و كسیكه تسبیح و تهلیل و تكبیر و استغفار و سپاس خدا كند ذكر خدا را بجا آورده است.

در اینجا فرشتگان اطراف و پیرامون آنها جمع مى‌شوند و شیاطین از آنها دور مى‌شوند.

1. كسیكه كتاب‌های علمی را مطالعه مى‌كند و برای علم و دانش حلقه مى‌زند تا علم و دانش بیاموزد ذكر خدا بجا آورده و فرشتگان پیرامون و اطراف وی جمع مى‌شوند.

جاهائيكه شياطين به آنجا مى‌روند

1. كسانیكه وقت خود را بیهوده صرف مى‌كنند مانند: مجالس موسیقی و ترانه و تئاتر (صحنه نمایش)، شیاطین پیرامون آنها جمع مى‌شود و فرشتگان از آنها فاصله مى‌گیرند.
2. كسیكه عكس جاندار در خانه آویزان كند فرشتگان به خانه‌اش داخل نمى‌شوند چنانكه در حدیث آمده: «إِنَّ الْمَلاَئِكَةَ لاَ تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلاَ صُورَةٌ» [متفق علیه]. «فرشتگان به خانه ای كه در آن سگ و عكس باشد داخل نمى‌شوند».

پس فرشتگان رحمت به خانه‌هائیكه در آن عكس وجود دارد داخل نمى‌شوند، حال اینكه این عكسها بر دیوار آویزان باشد و یا در قالب و صندوق برای یادبودی و قشنگی دیوارها و خانه‌ها باشد. و این عكس‌ها كه جاندار هستند فرشتگان را فراری مى‌دهند و فرشتگان به چنین خانه‌هایی داخل نمى‌شوند.

ولی اگر عكسها برای ضرورت باشد مانند عكس شناسنامه، و گذرنامـه، و كارت شناسائى ، و گواهینامه، و مانند اینها، برای اینگونه عكسها استثناء وجود دارد، زیرا برای تعظیم گذاشته نشده است. و همچنین عكس‌هائیكه در قالیچه زیر پا باشد مستثنی است. و قصد ما عكسهائی است كه برای یاد بود و فخر نگهداری مى‌شود، و ضرورتی برای آنها وجود ندارد، اینهاست كه شیاطین را بخود جلب مى‌كند، و فرشتگان را از خود مى‌راند و از ورود فرشتگان جلوگیری مى‌كند.

نشانه و تأثير ايمان به فرشتگان در زندگي انسان

ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، و اگر انسان دانست كه چنین است احتیاط مى‌كند، و اگر دانست كه فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری مى‌كنند، در اینحال احتیاط مى‌كند تا اینكه چیزی بر او نوشته شود. آیا اگر بداند كه جاسوسی دنبال او مى‌باشد و از او مراقبت مى‌كند آیا احتیاط نمى‌كند كه ممكن است حـرفی بزند و یا كاری انجام دهد كه به ضرر او تمام شود؟ پس چطور از فرشتگان پرهیز نمى‌كند در حالیكه او آنها را نمى‌بیند و بشر جاسوسها را مى‌بینند، كسیكه تو را نگهبانی مى‌دهد و زیر نظر قرار دارد مواظب خود خواهی شد، ولی فرشتگان تو را مى‌بینند و تو آنها را نمى‌بینی، ممكن است خود را از بشر پنهان كنی و داخل خانه ای شوی، یا دری بر خود ببندی تا از تو با خبر نشود ولی فرشتگان در هر جا كه باشی با تو همراهند. خداوند به آنان این قدرت را داده تا هر جائیكه خداوند به آنها فرمان دهد برسند، به همین خاطر خداوند مى‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ١٢ ﴾ [الإنفطار: 10 – 12]

خداوند اینرا فرموده تا ما مواظب خود باشیم.

واین ثمره ایمـان بـه فرشتگان است كه انسان مواظب گفتار و كردار بد خود خواهد بود، تا اینكه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد.

 هيچ چيز از خدا پنهان نخواهد بود

خداوند مى‌فرماید: ﴿إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ ٤﴾ [الطارق: 4] «هیچ كسی نیست مگر آنكه (فرشته‌ای) بر او نگهبان است».

و خداوند مى‌فرماید: ﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾ [ق: 16]. «و ما به او از رگِ جان نزدیك‌تریم».

آیا مى‌دانید الورید چیست؟ ورید انسان رگی است كه در دو طرف گردن قرار دارد و خون در آن جاری است، یكی در طرف راست و دیگری در طرف چپ گردن مى‌باشد و در آن خونی است كه جسم انسان با آن تغذیه مى‌شود.

خداوند مى‌فرماید: ﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾.

و همچنان مى‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُ﴾ [الحدید: 3]. «اوست اول (و نخست كه پیش از او هیچ كس نبوده) و آخر (كه همه فنا شوند و او بماند كه بعد از او كسی نیست)، و ظاهر (و ما فوق همه) و باطن (و دور از دید همه)».

رسول الله در تفسیر این آیه مى‌فرماید: «أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَىْءٌ» [مسلم]. «تو نخستینی كه قبل تو چیزی نیست، و تو آخرینی كه بعد از تو چیزی نیست، تو آشكاری كه آشكارتر از تو چیزی نیست، تو پنهانی كه پنهانتر از تو چیزی نیست».

پس هیچ چیزی در خشـكی و دریا، و رودها، و صحراها، و بازارها، و مساجد، و نماشیگاهها، و یا میدانهای بازی، و در همه جا، از خدای مخفی و پنهان نخواهد شد.

نیكى‌ها و بدیها از خداوند مخفی و پنهان نخواهد بود، و به همین خاطر وقتی جبریل از رسول الله در باره إحسان و نیكی سؤال كرد، و گفت: مرا از احسان و نیكی با خبر ساز، رسول الله فرمود: «الإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» [مسلم]. «احسان عبارتست از اینكه خـداوند را بگونه ای عبادت نمایی گویا تو را مى‌بینی، و اگر تو او را نمى‌بینی همانا او تو را مى‌بیند». و خداوند مى‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ١٦ إِذۡ يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٞ ١٧ مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ١٨﴾ [ق: 16 – 18]. «و ما از رگ گردنش بـه او نزدیكتر هستیم، دو فرشته ای كه گفتار و كردار شخص را دریافت كرده و آنرا مى‌نویسند كه یكی از طرف راست و دیگری از طرف چپ او نشسته است و همنشین او هست».

و مى‌فرماید: ﴿أَمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّا لَا نَسۡمَعُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيۡهِمۡ يَكۡتُبُونَ ٨٠﴾ [الزخرف: 80]. «آیا گمان مى‌برند كه ما رازگویی و نجوای آنان را نمى‌شنویم. آری(مى شنویم) و فرشتگان ما در نزد آنان مى‌نویسند».

پس خداوند حرف زدن آهسته بین دو نفر و راز و نیاز كردن و آنچه سرّ مى‌باشد مى‌شنود، و فرشتـگان آنرا مى‌نوسیند و این از نشانه ایمان به فرشتگان مى‌باشد.

به خاطر دوست داشتن فرشتگان آنان را يادآوري مى‌كنيم

ذكر و یاد آوری فرشتگان فقط برای علم و دانش و درک چیزی نیست چنانكه تاریخ را مطالعه مى‌كنیم، بلكه ما آنان را یاد آوری مى‌كنیم تا اینكه آماده شویم و بر حذر باشیم كه چیزی از بدى‌ها بر ما نوشته شود و روز قیامت مورد بازخواست خداوند قرار گیریم و مجازات شویم.

همچنین بخاطر دوست داشتن آنان را یاد آوری مى‌كنیم، زیرا خداوند آنانرا دوست مى‌دارد و همچنین ما آنان را دوست مى‌داریم زیرا نیكوترین و فرمانبردارترین مخلوقات خدایند.

چنانكه خداوند مى‌فرماید: ﴿كِرَامِۢ بَرَرَةٖ ١٦﴾ [عبس: 16] «(فرشتگانی) گرامی و نیكوكار».

خلاصه اینكه بایستی قدر و منزلت فرشتگان را بدانیم و آنانرا دوست بداریم، زیرا خداوند آنان را دوست مى‌دارد.

ولی كسى كه با فرشتگان دشمنی كند و آنان را دوست ندارد، خداوند دشمن او خواهد بود. و كسیكه خـداوند با او دشمن شود قیامت او بلند شده و حالی نخواهد داشت.

خداوند مى‌فرماید: ﴿مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ ٩٨﴾ [البقرة: 98]. «كسى كه دشمن خدا و فرشتگان او و رسولانش و جبرئیل و میكائیل باشد، (بداند كه) خدا دشمنِ كافران است».

و كسیكه با آنان دشمنی كند خداوند دشمن او خواهد بود.

و در پایان از خداوند خواستارم كه ما و شما را ایمان صادق و علم و دانش مفید و عمل و كردار نیک و صالح عطا فرماید.

وصلى  الله على  نبینا محمد وعلى آله وصحبه وسلم.